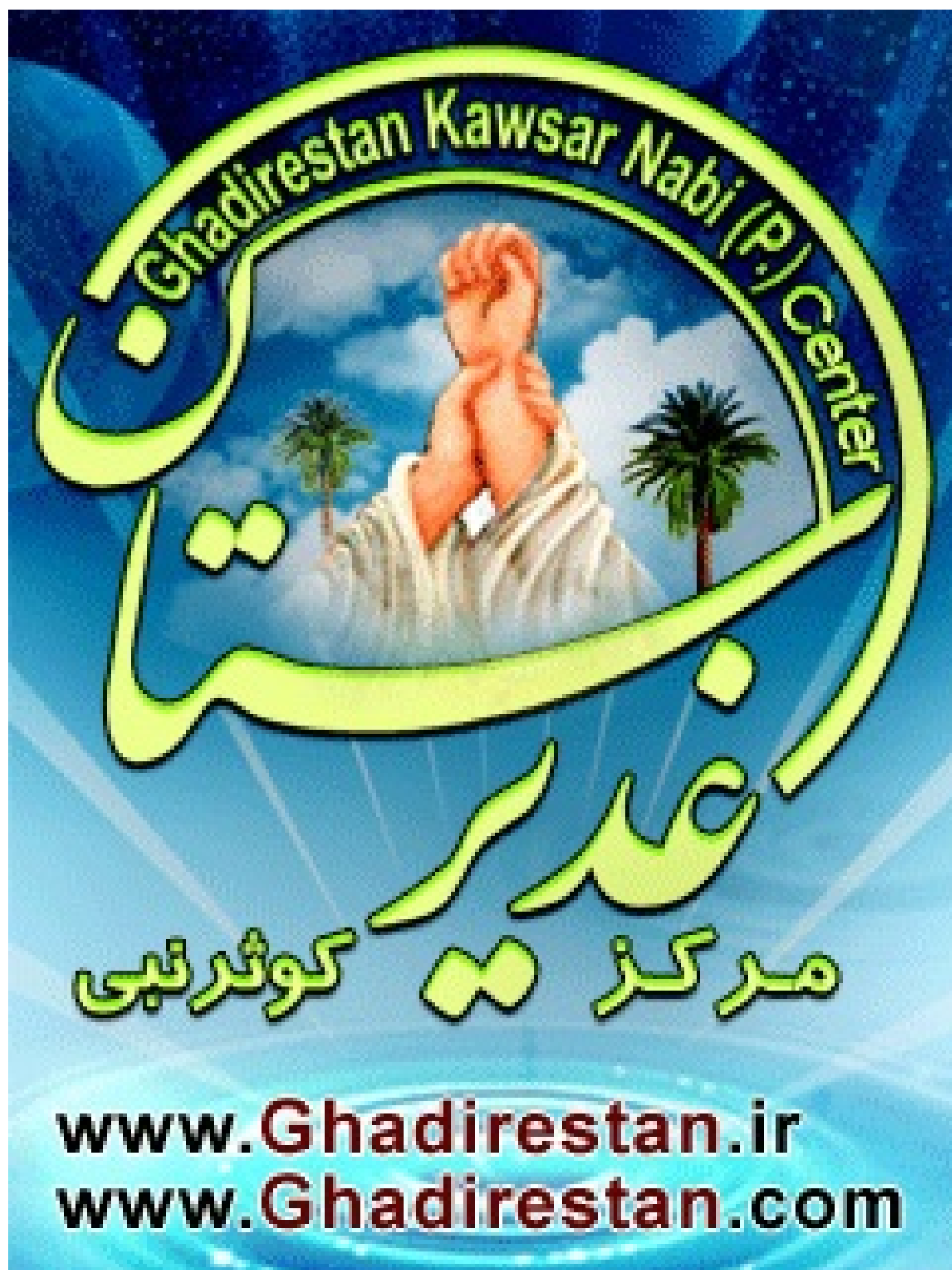




ارشاد غدير

خلاصه ای از کتاب

به همراه متن کامل خطابه غدیر

گفتارهایی پیرامون امام علی (ع)

محمدعلی انصاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه ای از کتاب اشراق غدیر به همراه متن کامل خطابه غدیر

نویسنده:

محمدعلی انصاری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

خلاصه ای از کتاب اشراق غدیر به همراه متن کامل خطابه غدیر

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱
عنوان و نام پدیدآور: خلاصه ای از کتاب اشراق غدیر به همراه متن کامل خطابه غدیر / محمدعلی انصاری
ناشر چاپی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه، رایانه و کتاب
موضوع: (ویژه مسابقه) - غدیر

مقدمه

یکی از رایجترین شیوههای عرض ادب به آستان مقدس اهل بیت (آشنا نمودن نسل جوان با معارف آن بزرگواران است و موضوع غدیر نیز یکی از فرصتهای استثنایی در این زمینه میباشد و از بهترین روشهای تأثیرگذار روی اعتقاد جوانان اجرای انواع مسابقات کتابخوانی میباشد که در این میان، مسابقات کتبی حضوری بازدهی بسیار بالایی دارد. کما اینکه بارها به تجربه ثابت گردیده است. بر این اساس مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان با همکاری موسسه احسن الحدیث، متن خطابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر با ترجمهی استاد محمد باقر انصاری و همچنین خلاصهای از کتاب «اشراق غدیر» (نوشته استاد محمدعلی انصاری) با تصحیح و اضافات گروه تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای اصفهان جزوه ای حاضر آماده گردید.

امید است مورد تأیید وارث غدیر حضرت بقیه الله الاعظم واقع گردد.

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ذیحجه الحرام ۱۴۳۳

متن کتاب

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

غدیر در میان حوادث تاریخ طی طریق داشته و بادهای وادیها را طی کرده است و تا امروز سربلند و سرافراز در پهنهی بسیط خاک با نمایش و حضور خود جلوه گری می کند. آنچه مربوط به غدیر و سخنان نبی اکرم (و پیام آن است، در میان صاحب نظران سخن و حدیث فراوان و بسیار آمده است و صفحات بسیاری نوشته و انگاشته شده است. لیکن محور اصلی این بحث پاسخ به همین سؤال است که: آیا موضوع غدیر یک پدیده مستقل و نویی در زندگی پیغمبر مکرم اسلام (بوده است؟

آیا غدیر ماجرا و جریانی ماسوای بقیه حوادث زندگی نبی رحمت است؟

یا اینکه غدیر به بیانی استمرار همان روند مبارک و شگرف ولایت و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؟ آیا سیر رسالت اقتضای آن دارد تا سخن به غدیر رسد و در آنجا خیمه زند و ساکن بماند؟ و یا آنکه غدیر صرفاً یک واقعه، رخداد و پدیده ای همانند سایر حوادث تاریخی دیگر است؟

برابری و برتری انسانها

بدون تردید آدمیان نزد خداوند متعال جایگاه یکسانی دارند یعنی در خلقت و آفرینش میان حضرت حق و بندگان او خویشاوندی وجود ندارد.

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ

میان خداوند و بندگان او تقابلی وجود ندارد که آنان را در مراتب متفاوت قرار دهد، بلکه در آغاز کار تمام آدمیان و بندگان در عبودیت تسخیری و تکوینی نسبت به حضرت باری تعالی یکسانند، (من و تو هر دو خواجه تاشانیم) و جملگی بندگان حضرت سبحان هستند.

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا (۱)

«تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند.»

معیارهای سه گانهی افضلیت

بعد از این مقدمه که بیان قانون و قاعدهی الهی و سنت حکمت و عدالت خداوندی گزینش اولوا الفضائل و المکارم است و اعطاء حکم و عنایت الهی و مواهب خداوندی بر اساس این برتری هاست. در کلام الهی و در سخن خداوند سبحان نیز همین موضوع تثبیت می باشد و می بینیم. خدای سبحان در کلام خود هنگامی که فضیلتها را مطرح می کند علم و تقوا و جهاد را به عنوان شاخصهی اصلی بیان می دارد، آنجا که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (۲)

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید! (اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.»

در مقام اول و دوم، تقوا و علم می آیند.

... «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (۳ ...)

... «خداوند کسانی را که ایمان آوردند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد» ...

سومین ملاک برتری مجاهده و جدّ و جهد توأمان مال و جان است.

... «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (۴)

... «و مجاهدان را بر قاعدان؛ با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.»

... «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ» (۵ ...)

... «کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند» ...

مسلمانان! بدانید کسانی که از میان شما و قبل از فتح مکه به صحنه آمدند و جان و مالشان را در خدمت خدا گزاردند، با آنانی که متعاقباً به صحنه می آیند، هرگز یکسان نیستند.

خوبان بی شمار در این شهر دیده ام اما تو نازنین به خدا چیز دیگری

با استناد به این اصول و نصوص قرآن به مقصود اصلی و نتیجه گیری موضوع می پردازیم و ابتدا:

ماییم و نوای بی نوایی بسم الله اگر حریف مایی حال در میان این مجموعه و خیل گروندگان و اگر چشم جان را بگشایید و با بصیرت بنگرید و دیدهی انصاف را به صحنه آورید، چگونه می توان شاهد استمرار همان مسیر فضیلت بود؟ غدیر چیزی جز

استمرار حاکمیت فضیلت نیست، اگر قرار است فضائل در میان بشریت حاکمیت داشته باشد و افضلیت در میان انسانها معیار رتبه‌نشینی باشد؛ باید پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در ماجرای غدیر فریاد برآورد و آشکارا بگوید:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

در بخش دوم ناگزیرم گوشه‌هایی از این قاعده و قانون را یادآوری و مرور کنم. نکته‌ی اول پیشتازی در ایمان است. اشاره شد که کار با ایمان سامان می‌یابد و اگر هر فضیلتی خداوند به انسانها می‌دهد در پرتو بهره‌مندی ایمان و عمل صالح است و طبعاً پیشتازی در ایمان هم نکته‌ی بسیار مهمی است که در فضایل و ویژگیهای برتر صاحب ولایت غدیر، مطرح می‌شود به حدی که بزرگان - اعم از دوست و دشمن - خیرخواه و غیر خیرخواه نمی‌توانند به راحتی و آسودگی از کنار آن بگذرند.

پیشتازی در ایمان

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

با تأکید و اهتمام به استفاده‌ی بیشتر از منابع اهل سنت، ابتدا به مقدمه‌ی شرح نهج البلاغه اشاره می‌نمایم که نوشته «ابن ابی الحدید معتزلی» و اهل سنت است.

«وَمَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ سَبَقَ النَّاسَ إِلَى الْهُدَى وَآمَنَ بِاللَّهِ وَعَبَدَهُ وَكُلَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَعْبُدُ الْحَجَرَ وَيَحْجِدُ الْخَالِقَ لَمْ يَسْبِقْهُ أَحَدٌ إِلَى التَّوْحِيدِ إِلَّا السَّابِقُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» (۶)

چه بگویم در خصوصیات مردی که در هدایت سبقت گرفته است و به خدا ایمان آورده و او را عبادت نموده است. حال آنکه دیگران هنوز در پای سنگها و بتها فرو افتاده بودند و حتی خالقیت خداوند را انکار می‌کردند.

هیچ کس بر او در توحید سبقت نگرفته است و تنها پیشی گیرنده به خیر و خوبی بر او، کسی جز پیغمبر مکرم اسلام (نمی‌باشد که معلم و استاد همین مؤمن اول است.

(این شارح معتزلی می‌گوید:

اکثریت اهل حدیث بر این قول متفق‌اند که او در میان مؤمنین و مسلمین اولین است. یک گروه بسیار کم و قلیلی با این معنا مخالفت می‌کنند. خود نیز چنین گفته است که:

«من صدیق اکبرم و جدا کننده‌ی حق و باطل در میان امت هستم و من اولین گرونده به اسلام (قبل از همه مردمان) می‌باشم و من اولین کسی هستم که بعد از پیامبر اسلام نماز گزارده‌ام.»

در ادامه می‌گوید:

«اگر کسی به مسانید حدیثی مراجعه کند خواهد دانست که این جمله متفق‌القول است» (۷)

و برای استناد گفته‌ی خود به سخن افرادی مانند: «الواقدی»، «ابن جریر طبری»، صاحب تفسیر و تاریخ و همچنین به «ابن عبد ربّه»، صاحب کتاب «الاستیعاب» که جملگی از بزرگان نامی اهل سنت هستند، اشاره می‌کند.

پس اولین نکته همان سبقت در ایمان است:

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)» (۸)

«و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامانند، آنها مقرَّب‌اند».

ادامه‌ی کلام را از زبان امیرالمؤمنین (- لیکن از کتب اهل سنت - بازگو می‌نمایم:

عن علی علیه السلام یقول: حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (وَأَنَا مُسْنِدُهُ إِلَى صَدْرِي. فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (۹) هُمْ أَنتَ وَشِيعَتُكَ» (۱۰)

من پیامبر را به سینه‌ی خود چسبانده بودم و سر مبارک او را در سینه‌ی خویش جای داده بودم. آنگاه حضرت فرمود: علی جان! آیا این کلام خدا را شنیده‌ای که می‌گوید: کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند آنان بهترین بندگان خدا و با فضیلت‌ترین آنها هستند.

علی جان! مصداق اول این آیه‌ی شریفه، تو و شیعیان تو هستید. پس از این فرمایش رسول خدا مشخص می‌شود که کلمه شیعه لغتی ساخته شده توسط شیعیان نیست. بلکه اولین کسی که کلمه شیعه را به کار می‌برد، خود رسول اکرم (است).

وعده‌ی میان من و شما و آنها بر سر حوض کوثر باشد و هنگامی که امتها و آدمیان برای جوابگویی و حساب می‌آیند، اینها با چهره‌های روشن خوانده می‌شوند و بر حوض الهی وارد می‌شوند.

«شواهد التنزیل، حسکانی»، «تفسیر طبری»، «صواعق المحرقة»، سه کتاب عمده و مفصل اهل سنت‌اند که من صرفاً از میان حدود سی عنوان کتاب، فقط به این سه اشاره و استناد می‌نمایم. پس این گواه سبقت امیرالمؤمنین در ایمان است و چه رسد به فرو رفتگی و خوض و غوطه‌وری حضرت در ایمان.

یعنی این مقام که آنچنان برتری و رفعت می‌یابد که می‌گوید: «اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ»، خدا را به خدا بشناسید.

راز بگشا ای علی مرتضی ای پس از سوء القضا، حُسن القضا ای علی که جمله عقل و دیده‌ای شمه‌ای واگو از آنچه دیده‌ای ما خدا را به اشیاء و وجود و خلقت او می‌شناسیم ولی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (خدایش را به ذات خدای خود می‌شناسد. ای خدایی! که ذات او بر ذات او دلالت می‌کند. (اینجا هم کمیت بشریت لنگ است و از درک معنا عاجز هستیم. به راستی، چگونه می‌توانیم از ذات به ذات او رسیم. ما که از صفات به اوصاف حق می‌رسیم، از اسماء و نشانه‌های خداوند به او می‌رسیم؛ لیکن علی (از خدا به خدا سفر می‌کند و سیر من الله الی الله دارد.))

دریای موج علم علی علیه السلام

ایمانی که اشاره شد مبتنی بر معرفت و علم است. اگر علم و معرفت نباشد، ایمان، تقلیدی و بر اساس عادت است و طبعاً جایگاه و رتبه والایی نخواهد یافت، یعنی عمیق و دقیق نیست.

شخصیت ابن عباس مورد قبول اهل سنت و شیعیان است و به او می‌گویند: «جبر الأئمة» و «ربانی هذه الأئمة» و چنین القابی را پیرامون او می‌بینیم.

عبدالله بن عباس می‌گوید:

فخرج بی الی البقیع و قال: اقرأ یا ابن عباس فقرأت: بسم الله الرحمن الرحيم، فتكلم فی أسرار الباء الی بزوغ الفجر. «أَخَذَ بِيَدِي عَلَىٰ فِي لَيْلَةِ الْمَقَمَرَةِ فَخَرَجَ وَ قَالَ: اقرأ يا عبدالله! بی الی البقیع بعد العشاء فقرأت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فتكلم فی اسرار الباء الی بزوغ الفجر و قال لی: قم یا بن عباس! الی منزلك. فَتَأَهَّبَ لِفَرْضِكَ!

فَقُمْتُ وَ قَدْ وَعِيتَ مَا قَالَ ثُمَّ تَفَكَّرْتُ إِذَا عِلْمِي بِالْقُرْآنِ وَ عِلْمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ فِي عِلْمِ عَلِيٍّ لَيْسَ إِلَّا كَالْقَرَارِهِ فِي الْمُسَعْنَجِرِ». (۱۱)

در یک شب مهتابی و خاص امیرالمؤمنین مرا همراه خود به صحرا برد؟ مرا به انتهای بقیع برد و بعد از نماز عشاء و بعد از اینکه مهتاب برآمده بود. به من گفت چیزی بخوان، شروع به قرائت قرآن کردم به مجرد آنکه «بسم الله» را گفتم، گفت بایست. آنگاه در «باء» بسم الله تا نزدیکی فجر برای من سخن گفت، سپس خطاب کرد که ابن عباس به خانه‌ات برگرد و برای نماز صبح خودت را آماده کن.

بلند شدم و هر چه گفته بود در ذهن خود نگه داشتم و ساعتها بر آنچه گفته بود اندیشیدم. بعد دریافتم که علم من و تمام یاران پیامبر در قبال آنچه علی علیه السلام می‌گوید به مثابه قطره‌ای در مقابل دریا و اقیانوس است. آنگاه سر خود را پایین افکندم و

گفتم:

علی جان! باز هم بر من عنایت فرما و دست مرا تهی مگذار و بر سینه‌ی من هم از دانش خویش بیاران. در بیش از پنجاه کتاب عمده‌ی اهل سنت، این حدیث وجود دارد، مانند «لسان‌العرب ابن منظور»؛ «تفسیر طبری»، (جلد ۱۲)؛ «کنز‌العمال متقی هندی» (ج ۱۵، ص ۱۰) که به مناسبتی این حدیث را نقل می‌کنند.

در حدیث معروف دیگری پیامبر فرموده است که:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا»

مرحوم علامه امینی - رضوان‌الله تعالی علیه - منابع این حدیث را بیش از یکصد کتاب معتبر مانند «جامع‌الاصول ابن اثیر»، «روح‌المعانی آلوسی بغدادی»، «تاریخ بغداد»، «سنن ترمذی» (که از بهترین و جزء شش کتاب اصلی اهل سنت هستند) معرفی می‌کند.

«هذا ما روته عائشة قالت: حدثني فاطمة ابنة محمّد أنّ النبي (قال لها: زوجتك اعلم المؤمنين علماً و أقدمهم سلماً و افضلهم حلماً. » (۱۲)

عایشه می‌گوید:

فاطمه - دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - به من گفت: که پیامبر به او چنین گفت: فاطمه جان! دخترم! شوهر تو، برترین دانشمندان این امت و پیش‌تاز آنان در پذیرش اسلام است و در صبوری و بردباری با فضیلت‌ترین آنهاست.

تا آنجا که پیامبر در لحظات آخر عمر اشاره کردند که یا علی! سرت را پایین بیاور. آنگاه مدتی با علی به نجوا سخن گفتند. بعدها از حضرت سؤال کردند که پیامبر به شما چه فرمود؟ پاسخ دادند:

فَعَلَّمَنِي مِفْتَاحَ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلَّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ (۱۳)

پیامبر هزار درب علم را برای من گشود که از هر کدام آنها، هزار باب دیگر گشوده شد.

(فخر رازی در تفسیر کبیر وقتی به این حدیث اشاره می‌کند ادامه می‌دهد که:

«فاذا كان المولى هكذا فكيف حال النبي؟»

وقتی مولى او چنین دانشی دارد پس نبی چه مقدار دانش دارد؟ (۱۴)

(معاویه بن ابوسفیان: «كان رسول الله يُعَرِّى عَلِيّاً بِالْعِلْمِ غَرّاً». (۱۵)

پیامبر، علی را از علم سیراب نمود.

(عایشه: عَلِيٌّ أَعْلَمُ النَّاسِ بِالسُّنَّةِ (۱۶)

(قال امير المؤمنين: «إِذَا سَأَلْتُهُ أُعْطَانِي وَإِذَا سَكْتُ ابْتَدَأَنِي (۱۷)

هرگاه من از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال می‌کردم، پاسخ می‌فرمود و هر گاه سکوت می‌کردم، او شروع به گفتن می‌کرد و میان من و پیامبر هیچگاه سکوت برقرار نبود؛ معلم می‌گفت و شاگرد می‌شنید؛ شاگرد سؤال می‌کرد، معلم پاسخ می‌فرمود؛ ما همیشه با یکدیگر در حال گفت و شنود علمی بودیم، به همین خاطر است که احمد حنبل در «مسند» می‌گوید:

«انَّ ابْنَ أَبِيطَالِبٍ لَا يَقَاسُ احِداً». (۱۸)

پیامبر می‌فرماید: ای مردم! هیچ کس را با پسر ابیطالب مقایسه نکنید، فقط علی، علی است. «فَإِنَّ عَلِيّاً مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ». (۱۹)

وقتی پیامبر می‌خواهند ارتباط تنگاتنگ خود با علی (را یادآوری کنند. همان یکی بودن مقام خود را تذکر می‌فرماید.

تقوای بی‌مانند علی علیه السلام

هنگامی که در کنار این معرفت به تقوای امیرالمؤمنین (می‌رسیم، می‌بینیم که علم علی مبتنی بر معرفت است و مگر نه این است که:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۲۰)

من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند. (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).
عمده‌ی مُفسِّران، آیه را اینگونه تفسیر کرده‌اند که ما جن و انس را برای عبادت آفریده‌ایم و متفق القول گفته‌اند که برای معرفت آفریده شده‌اند. پس جوهر عبادت، معرفت است و بدون آن تحقق هیچ عبودیتی امکان ندارد. هر کسی بهره‌مندی بیشتری از این جوهر دارد، عابدتر است و هر که عابدتر است فاضل‌تر خواهد بود؛ به همین منوال آنکه فاضل‌تر است برتر نیز هست. وقتی انسانی این سیر را طی می‌نماید و به مقام افضلیت می‌رسد، آنچه خداوند بر او ارزانی و مرحمت می‌کند، تقوای الهی است.
... «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ)» (۲۱ ...)

(... «پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند؛ و نماز را برپا می‌دارند»...
خداوند نشانه‌ی اول تقوا را ایمان به غیب معرفی می‌نماید. آن ایمان به عالم غیب و فراتر از آنکه «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا أزدَدْتُ يَقِيناً»، اگر تمام پرده‌های غیب برداشته شود هیچ چیز بر علم علی افزوده نمی‌شود؛ چرا که من از غیب الهی به آن درجه رسیده‌ام که بی‌پرده و عیان، باطن و ظاهر، همه چیز را می‌بینم.

حضرت می‌فرماید: آیا ظن و گمان می‌کنید من خدای ندیده را عبادت می‌کنم؟ اگر من خدا را نبینم چگونه می‌توانم او را عبادت کنم؟ غیب‌الغیب مطلق خداست، علی (خدا را می‌بیند و عبادت می‌کند).

در خصوص «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» او چه بنویسم که هرگز به کنه مطلب نتوانم رسید.
به نماز بست قامت که نهد به عرش پا را به خدا علی نبیند به نماز جز خدا را اگر بخواهیم مقام تقوای علی علیه السلام را ترسیم کنیم چه کسی می‌تواند خصوصیات تقوای علوی را توصیف کند؟ آیا برای این وصف جز خدای علی علیه السلام کسی سزاوارتر می‌توان یافت؟ مگر حضرت سبحان نفرموده است که:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (۲۲)

آیا غیر از این است که خداوند دقیقاً صحنه‌ی نماز و زکات علی علیه السلام را در کلام خویش برای همیشه جاودان و باقی قرار داده است.

«آلوسی بغدادی» در «روح المعانی» می‌گوید: هیچ یک از مفسران در انطباق این آیه شریفه بر علی بن ابیطالب (تردیدی ندارند. فروغ خیره‌کننده سخاوت علی)

مرحله بعدی بروز عملی این ایمان و تقواست. نام شاهییت عمل در درگاه الهی و قرآن مجاهده است. مجاهده فی سبیل الله یعنی جانبازی، مالبازی، پاکبازی، که یا به جان و یا به مال محقق می‌شود.

قرار در کف آزادگان نگیرد مال نه صبر در دل عاشق نه آب در غربال زبینه است استشهادی دیگر از ابن ابی‌الحدید در این خصوص مطرح نمایم:

وَأَمَّا السَّخَاءُ وَالْجُودُ فَحَالُهُ فِيهِ ظَاهِرَةٌ كَانَ يَصُومُ وَيَطْوِي وَيُؤْتِي زَادَهُ وَفِيهِ أُتْرِلَ:

وَيَطْعُمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا)

وَرَوَى الْمُفَسِّرُونَ (۲۳) أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ إِلَّا أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ فَتَصَدَّقَ بِدِرْهَمٍ لَيْلًا وَبِدِرْهَمٍ نَهَارًا وَبِدِرْهَمٍ سَرًّا وَبِدِرْهَمٍ عَلَانِيَةً فَأَنْزَلَ فِيهِ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَفِيهِ:

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (۲۴)

و روی عنه أَنَّهُ كَانَ يَسْقِي بِيَدِهِ النَّخْلَ قَوْمٌ مِنْ يَهُودِ الْمَدِينَةِ، حَتَّى مَجَلَّتْ يَدُهُ وَ يَتَصَدَّقُ بِالْأَجْرَةِ وَ يَشُدُّ عَلَى بَطْنِهِ حَجْرًا.
(وَ قَالَ الشَّعْبِيُّ وَقَدْ ذَكَرَهُ كَانَ أَشْحَى النَّاسِ كَانَ عَلَى الْخُلُقِ الَّذِي يَحِبُّ اللَّهُ السَّخَاءَ وَ الْجُودَ مَا قَالَ «لَا» لِسَائِلٍ قَطُّ
(وَ قَالَ عِدْوَةُ وَ مُبَغِضُهُ الَّذِي يَجْتَهِدُ فِي وَضِيحِهِ وَ عِيَّهِ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ لِمِحْفَنِ بْنِ أَبِي مُحَفَّنٍ الضَّبِّي لَمَّا قَالَ جِئْتُكَ مِنْ عِنْدِ
أُبْخَلِ النَّاسِ!

وَيَحْكُ كَيْفَ! تَقُولُ إِنَّهُ أَبْخَلُ النَّاسِ وَ لَوْ مَلَكَ بَيْتًا مِنْ تَبَرٍ وَ بَيْتًا مِنْ تَبْنٍ لَأَنْفَدَ تَبْرُهُ قَبْلَ تَبْنِهِ (۲۵)

در مقام جود و سخا و جهاد مالی عنوان می شود که علی روزه می گرفت و عبادت می نمود، لیکن زاد و توشه خود را به دیگران هدیه می داد و خداوند در حق او نازل کرده است که:

«وَ يَطْعُمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا».

(مفسران می گویند:

«أَنَّهُ لَمْ يَمْلِكْ إِلَّا أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ»

) و «ابن ابی الحدید» می گوید:

او چهار درهم بیشتر نداشت، که درهمی را روز و درهمی را شب داد و درهمی را مخفی و درهمی را آشکارا عطا فرمود و خداوند آیه نازل نمود که:

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ...

یعنی خداوند چهار درهم علی را در چهار جای قرآن مطرح و باز گو می فرماید.

(برای یهودیان مدینه آبکشی می کرد، دست او پینه می بست و سپس اجرت حاصل از این طریق را در راه خدا انفاق می کرد و بر شکم خویش سنگ می بست که حجم آن را کوچک کند.

(«ابن ابی الحدید» می گوید: معاویه بن ابی سفیان که تمام تلاشش نابودی علی (بود، روزی به محفن ابن ابی محفن گفت: از کجا آمده ای؟

پاسخ گفت: از نزد بخیل ترین مردمان!

معاویه فهمید گوینده چه منظوری داشته است، لذا گفت مگر تو از پیش علی نیامده ای! گفت: آری.

آنگاه گفت: اگر علی خانه ای از طلا و خانه ای از کاه داشته باشد به خدای کعبه قسم! که علی خانه طلا را اول در راه خدا انفاق می کند. بیت المال را جارو می کند و نماز می گزارد و آنگاه می گوید بروید و دیگری را فریب دهید.

او هیچ میراثی باقی نگذازد در حالی که در دنیا موقعیتهای آنچنانی برای او فراهم بود و می توانست در مسائل مالی هر آن گونه که بخواهد عمل نماید. اینها به نوعی همانند جملاتی است که امام (در نامه چهل و پنج نهج البلاغه فرموده است.

برق تیغ علی علیه السلام

هنگامی که به جهاد فیزیکی و یا به تعبیر ما مجاهده با جان می نگریم باز مشاهده می شود که دیگر در این جایگاه، مقامی و نکته ای برای بدست آوردن و گفتن باقی نیست که علی علیه السلام آن را طی ننموده و عمل نکرده باشد.

«ابن ابی الحدید» در این خصوص می گوید:

هَذَا الْفَضْلُ لَا مَعْنَى لِلْإِطْنَابِ فِيهِ لِأَنَّهُ مِنَ الْمَعْلُومَاتِ الضَّرُورِيَةِ كَالْعِلْمِ بِوُجُودِ مَكَّةَ وَ مَضَرَ وَ نَحْوِهِمَا (۲۶)

اینجا وقت گذاشتن معنا ندارد، وقتی می دانید آب تشنگی را رفع می کند، این آگاهی معلوم ضروری می شود و به همین شکل وقتی می دانید چراغ روشنی دارد مصداق معلوم ضروری است، مثل اینکه بگوییم شهرهای مدینه و مکه در کجا قرار دارند که این سؤال

دیگر نیاز به طرح ندارد چرا که آفتاب آمد دلیل آفتاب و پاسخ آن کاملاً روشن و مبرهن است.

در خصوص جنگ بدر، این سخن مطرح می گردد، «بخاری» در جلد ۵، ص ۷۵ و «مسلم» در جلد ۸، ص ۲۴۸ نقل می کنند که آیه شریفه:

«هَذَا خِصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ»... (۲۷)

«اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند»...

زمانی نازل شد که امیرالمؤمنین (ایستاده است و در مقابل او، فارس و جنگاور بزرگ قریش قرار دارد. خداوند این آیه را در شأن و فضیلت علی علیه السلام نازل می کند، در آن جنگ هفتاد نفر از مکیان کشته شدند که سی و شش نفر آنها به دست امیرالمؤمنین (به هلاکت رسیدند.

در اُحد کار به آنجا رسید که: لقد اصاب علیاً یوم اُحد ستة عشر ضربة کل ضربة تلزمه الارض، فما کان یرفعه الا جبرئیل (۲۸) شانزده زخم بر علی علیه السلام وارد آمد که برای هر کدام از آنها کافی بود تا زمینگیر بشود؛ اما گویا جبرئیل علی (را بلند می کرد.

از «ابن مسعود» سؤال کردند که آیا واقعاً در احد مردم از اطراف پیامبر فرار کردند و کسی برای حمایت پیامبر باقی نماند؟

«انهزم الناس عن رسول الله حتی لم یبق معه الا علی و ابودجانه و سهل. قال: انهزم الناس الا علی وحده» (۲۹)

پاسخ می دهد: آری و فقط سه نفر باقی ماندند و باز می پرسد آیا آن سه نفر ماندند؟ خیر، آنها هم فرار کردند و تنها کسی که در اُحد و در کنار پیامبر باقی ماند و جان خویش را سپر جان نبی مرسل نمود و تیرها را به تن می خرید فقط علی بن ابیطالب بود. در شرح نهج البلاغه جلد ۳، ص ۳۷۷ و بقیه مسانید آمده است که در احد مشرکان بیست و هشت کشته دادند که دوازده تن آنها به دست امیرالمؤمنین کشته شدند.

پس به لحاظ آماری نیمی از کشتگان بدر و نیمی از به هلاکت رسیدگان احد به وسیله علی (به قتل رسیده اند، پس مشخص است کسانی که چنین کشته هایی به دست علی علیه السلام داده اند و به تعبیر نقل از دعای ندبه، در دل کینه و «أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنِينِيَّةً» دارند، چه خواهند کرد.

در جنگ احزاب و جنگ خندق، دلاوری و جنگاوری علی (بر کسی پوشیده نیست. در خصوص نزول سوره احزاب «آلوسی» در «روح المعانی» جلد ۲۱ می نویسد: كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ.

خدا مؤمنین را کفایت کرد از اینکه با بزرگانی که با دوازده هزار نفر نیرو آمده بودند، بجنگند چرا که: «اليوم برز الايمان كله للشرك كله» (۳۰).

آن روز تمام کفر در قبال تمام ایمان صف آرای شده است.

خداوند مؤمنین را کفایت کرد که شش نفر بیشتر کشته ندادند، چرا که:

«لَضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۳۱)

به خاطر ضربتی که آن روز علی بن ابیطالب (به آن نام آور عرب وارد نمود و خود نیز با فرقی شکافته و تکبیرگویان از میان غبار میدان به سوی پیامبر برگشت. در آن صحنه باشکوه، نبی رحمت به خاک می افتد، خدای را شکر و سجده می کند که اسلام را چنین نصرت و یاری داده است؛ پس موقعیت علی (در جهاد این چنین است.

خلاصه و نتیجه گیری مطالب ذکر شده همان است که کسانی چون «احمد حنبل» می گویند که ایمان علی علیه السلام سبقت و پیشگیری در اسلام دارد، تقوا و علم او هم که به واقع مصداق بارز «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» است.

آیه: «هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» نشانگر علم لدنی اوست.

...«وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (۳۲)

...«و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشید.»

بیان مجاهدت و قدرت جهاد اوست و مقام عبادت و انفاق او نیز در آیه ذیل تجلی دارد:

...«لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلًا» (... ۳۳)

«کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند.»

احمد حنبل در «فضائل الصحابه» می گوید:

«عن ابن مسعود كُنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ أَفْضَلَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ» (۳۴)

روزی اصحاب پیامبر با یکدیگر گفتگو می کردند و همگی را جمله بر این قول بود که علی بن ابیطالب (افضل ترین فرد در مدینه است).

«شهرستانی» مورخی معروف و از مشاهیر قرن پنجم اهل سنت است. او در کتاب «ملل و نحل» می نویسد: «کان علی بن ابیطالب افضل الصحابه» (۳۵)

علی (افضل ترین صحابی پیامبر بود. الا- اینکه مصلحت اقتضاء کرد که او بعد از پیامبر بر مسند خلافت ننشیند! (حال چه کسی مصلحت اسلام و مسلمین را چنین تشخیص می دهد، مطلبی دیگر است!)

«ذهبی» در «سیر الاعلام النبلاء» می نویسد:

«لیس تفضیل علی برفض» (۳۶)

اگر کسی علی (را تفضیل بدهد عملکرد او را «رفض» نام نهد و وی را «رافضی» نخواند.

رافضی لقبی است که عموماً اهل سنت به شیعیان نسبت می دهند. یعنی کسی که سنت پیامبر را رفض و پرت کرده است.

نعوذ بالله که شیعه چنین بخواهد و ذره ای چنان عمل کند، صحابه و تابعین به این سو رفته اند و سپس به مصادیق و نمونه های آن اشاره می کند.

«تنوخی» در «شرح نهج البلاغه» می گوید: «ان علیاً افضل الناس بعد رسول الله» (۳۷)

کسانی که الان قائل به فضیلت علی (هستند تعدادشان بسیار است و از میان آن افراد به ابوالحسن رُمّانی، (از بزرگان معتزلی که قائل به این افضلیت و مقام برتری علی بن ابیطالب هستند) اشاره می کند.

حال سؤال این است که آیا خداوند به انسان افضلیت می دهد؟ آیا امتیاز و زمینه های خاصی باید باشد تا عنایات الهی شامل حال فرد شود؟ همین معانی و مفاهیم را بهتر است در کلام خود امیرالمؤمنین (نیز جستجو نمائیم، هر چند می دانم تأمل در این مطالب قلب هر انسان آگاه و با وجدانی را آزرده می سازد. پیامبر فرمود:

«فَإِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي» (۳۸)

«فخر رازی» در «تفسیر کبیر» وقتی به این بحث می پردازد که نحوه اداء و قرائت «بسم الله» چگونه باید باشد، با جهر و بلندی و یا اخفات و آهستگی، چنین می گوید: تا قبل از امویان و حاکمیت بنی امیه جهر به «بسم الله» بوده است و بنی امیه برای رفع آثار علی علیه السلام و با قصد و نیت خاص و به عبارتی به قصد مبارزه و مخالفت با منش و رفتار علی (بسم الله) را اخفاء کردند.

در ادامه می گوید ما این گونه عمل نمی کنیم و چون نحوه عمل علی (، برای ما حجت است لذا ما «بسم الله» را با صدای بلند قرائت می کنیم و سپس بیان می دارد: «وَمَنْ اتَّخَذَ عَلِيًّا أَمَامًا لَدِينِهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ فِي دِينِهِ وَنَفْسِهِ» کسی که علی را به عنوان امام خود برمی گیرند؛ به عروۃ الوثقی الهی چنگ زده است.

اینها که برشمردم تنها گوشه هایی از مقام افضلیت امیرالمؤمنین (از زبان دیگران و بعضاً دشمنان او بود، حال زبیده است حالت و

چگونگی شرایط خاص بعد از رحلت نبی رحمت و نحوه گزینش خلیفه اول و محروم ماندن مولی‌الموحدین (را از مقام الهی ولایت از زبان خود حضرت بشنویم.

امیرالمؤمنین (در خطبه ۲۱۷ نهج البلاغه چنین می گوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِيدُكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوا رَحِمِي وَاكْفُؤْ إِنَائِي وَاجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي حَقًّا كُنْتُ أَوَّلِي بِهِ مِنْ غَيْرِي وَقَالُوا: أَلَا- إِنَّ فِي الْحَقِّ أَنْ تَأْخُذَهُ وَفِي الْحَقِّ أَنْ تُمْنَعَهُ، فَاصْبِرْ مَعْمُومًا، أَوْمُتْ مُتَأَسِّفًا. فَتَطَوَّتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي رَافِدٌ وَلَا ذَابٌّ وَلَا مُسَاعِدٌ إِلَّا- أَهْلَ بَيْتِي؛ فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَنِيَةِ فَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَجَرَعْتُ رِيقِي عَلَى الشَّجَا وَصَبَرْتُ مِنْ كَظَمِ الْغَيْظِ عَلَى أَمْرٍ مِنَ الْعَلَقَمِ وَالْمِ لِّلْقَلْبِ مِنْ وَخْزِ الشُّفَارِ».

خدایا! من از قریش شکوائیه‌ای به تو دارم و آنها که به قریشیان کمک کردند، آنان رحم مرا قطع کردند، ظرف مرا واژگون کردند. دستشان را به هم دادند و با من جنگیدند و حقی که من بر آن اولویت داشتم را غصب کردند و چون اعتراض کردم گفتند علی! همین است که می‌بینی می‌خواهی قبول کن و بیعت نما و نمی‌خواهی بیعت نکن و بعد به من گفتند یا برو کنج خانه‌ات و صبورانه بنشین و یا از غصه بمیر! خوب من باید چه کار می‌کردم؟! لذا تحمل کردم، دیدم هیچ یاری ندارم و هیچ کس از من دفاع نمی‌کند و بازوی من نمی‌شود.

دیدم تنها حامیان من حسنین، دو طفل کوچک من و همسرم فاطمه است و از کشته شدن آنها خوف کردم و وقتی دیدم شرایط این گونه است، دیگر چشمانم را بستم و حال آنکه خار در چشم داشتم و شروع به نوشیدن آب زندگی کردم، حال آنکه استخوان در گلویم بود. :

با زهری این چنینی (که عرب از آن به زهر علقم و ما در فارسی و عامیانه به زهر هلاهل و زهر مار تعبیر می‌کنیم) صبر کردم و صبر کردم لیکن دردی در دلم بود و بیشتری بر قلبم وارد آمده بود اما باز هم صبر کردم تا آنکه خداوند بین ما حاکمیت و حکومت کند!!

حضرت رسول اکرم (در فرازی از خطبه غدیر چنین می‌فرماید که:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضِّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ»...

حضرت به صراحت و آشکار اعلام می‌فرماید که علی (با فضیلت‌ترین مردمان بعد از پیامبر است.

برابر این اعلام و اعتقاد تلقی می‌گردد که حکمت و عدالت الهی بر رجحان افضلیت و برتری انسانها است و این سنت از ابتدای نبوت و رسالت جاری و بر جانشین پیامبر نیز مصداق دارد و دلیلی نیست تا این رویه در فرهنگ اسلام تغییر یابد و جانشین پیامبر خاتم از این موهبت عاری شود و چیزی که همگان بر آن متفق‌القول هستند همانا مقام افضلیت و برتری بی‌چون و چرای امیرالمؤمنین (بر تمامی صحابی، یاران و مسلمانان تاریخ اسلام می‌باشد.

...«اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (۳۹ ...)

(...«تنها) خدای یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست»...

آنگاه به حلقه عبودیت و بندگی اختیاری درمی‌آیند؛ البته نه تسخیری و قهری بلکه به میل و اراده خویش طوق طاعت خداوند را بر گردن می‌افکنند و آنگاه از دیگر انسانها پیشی می‌گیرند و گامی به سوی کمال فراتر می‌نهند و در نهایت، رتبه و جایگاه برتری می‌یابند و از همین جا، مرتبه تفاضل و برتری انسانها آغاز می‌شود. همان‌جا که «أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ» دعوت خداوند را اجابت و لبیک می‌گویند و با این پذیرش و فرمانبری به جرگه صالحان و بندگان دوست می‌پیوندند.

در میان این مؤمنان نیز همان‌گونه که خداوند سبحان خود بارها و به انحاء مختلف در کلام خویش فرموده است، تمیز و تفاوت ایجاد می‌شود.

خداوند در این آیات اشاره به تفاوت و تمایز بندگان خویش دارد:

«... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۴۰؟...)

«... آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند»...؟

«أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (۴۱)

«آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند.»

«أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (۴۲)

«آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟»

آیا کسی که به سلک تقوای الهی پیوسته است با دیگری که از این حلقه مستانه رابطه را گسسته و از سرخوشی آن بی‌نصیب و محروم است، یکسان است؟ آیا کسانی که ایمان در جان‌شان نشسته و کردار و گفتارشان در مجرای عمل صالح است با آنها که در زمین فساد می‌کنند اصلاً می‌توانند یکسان و برابر باشند؟ آیا باید بر سر سفره کرامت دوست بهره‌مندی و نصیب اینان یکسان باشد؟ همچنین در آیات متعدد دیگری در قرآن این تفاضل و تفاوت میان انسانها تصریح گردیده است. در میان این جمع برجسته و صاحب فضیلت و مؤمنانی که دل‌داده حضرت دوست هستند، هم باز تفاوت‌هایی آشکار می‌بینیم یعنی در میان گروه مؤمنان عده‌ای هستند که السابقون السابقونند، پیشتازان در دلدادگی و شوریدگی هستند و عاشقانه به کوی حق نزدیک شده‌اند. در این وادی اسوه‌ها و نمونه‌های ممتاز ایمان بشری، صلحاء و انبیاء و پیامبران الهی می‌باشند. همان نخبگانی که «وَلَقَدْ اخْتَرْنَاَهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»، خداوند با علم لدنی خویش (۴۳) و امتیازاتی که در وجودشان نهاده است آنان را مرتبت بخشیده و الگو قرار داده است، «وَأَنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُضِيِّطِينَ الْأَخْيَارِ»، در نتیجه مصطفی و برگزیده و مجتبی‌ای خداوند شده‌اند. اینان نیز بر اساس فضایی که دارند، دارای مراتب و درجاتی می‌باشند یعنی در میان خیل عظیم پیامبران و انبیاء الهی شاهد رتبه‌بندی و تمایز بر اساس معیار فضیلت و سنگ عیار خلوص آنان هستیم که بر این مبنا عده‌ای برتر و جمعی فروتر قرار می‌گیرند همان که:

«تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (۴۴ ...)

«بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم»...

گروهی با تکامل بیشتر در تقرب الهی، دارای جایگاه عالی‌تر می‌شوند و مقام این رسولان بدان‌جا می‌رسد که نهایت پنج نفر از آن خیل ممتاز، قدوه و الگو می‌شوند و به مرتبت اولوالعزم مفتخر می‌شوند یعنی شاگردان اول مکتب‌خانه الهی می‌گردند.

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (۴۵)

«پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران «اولوالعزم» صبر کردند».

و سر سلسله آن، همان یگانه انسان برتر خلقت می‌شود که درک وصف و حالتش بر بشر که نه، بر ملک هم قابل توصیف و همراهی نیست و چنان عروج می‌کند که ملک همراه او هم تاب و توان از دست می‌دهد و در رکابش قوت خدمت و همراهی از کف می‌نهد و می‌گوید:

اگر یک سر موی برتر یرم فروغ تجلّی بسوزد یرم اما:

تو ولی ای محرم خلوتسرای ذوالجلال رفته‌ای تا قاب قوسین خداوند کریم پس مساوات بر هم می‌خورد و بر اساس ایمان و ضریب بهره‌مندی افراد، تساوی میان آدمیان دگرگون می‌شود و نهایت این تمایز به درجه‌ای می‌رسد که خدای سبحان اینان را به عنوان الگوهای شاخص معرفی می‌نماید.

مفسرین عالم اسلام و کسانی که با روح قرآن ارتباط دارند و در طول عمر سعی بر آن داشته‌اند که آیات الهی را شرح کنند، در لابه لای مباحث تفسیری و در سه آیه شریفه ماجرای غدیر را مطرح کرده‌اند. پانزده نفر از عالمان اهل سنت نیز در سه جای قرآن ماجرای غدیر را نقل می‌کنند و جمیع مفسران شیعی در این سه موضع به اتفاق این ماجرا را مطرح می‌کنند که در این سه آیه شریفه قرآن جای پای جریان غدیر دیده می‌شود و آثار آن مشهود است.

آیه نخست این کریمه الهی است:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُرْكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۴۶)

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان؛ و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.»

بزرگان عالم تفسیر (از اهل سنت) کسانی چون «طبری» و «جلال الدین سیوطی» و در متأخرین افرادی چون «آلوسی بغدادی» با نگرش و دیدگاه خاصی که در تفسیر دارد، یا «قرطبی اندلسی» و دیگر بزرگان عالم تفسیر مانند «ثعالبی»، ذیل این آیه ماجرای غدیر را مطرح کرده‌اند.

این یک موضع از مواردی است که در قرآن کریم جای پای غدیر را می‌بینیم. آیه دیگری که مفسرین به همین کم و کیف پیرامون آن سخن گفته‌اند؛ همان است که:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۴۷)

... «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»...

در این روز خدا دین را به کمال و قلّه نهایی می‌رساند و در ادامه آنچه که در دین به عنوان حقایق دینی وجود دارد، زنجیره پایانی پیوند می‌شود و خدا نعمت را بر مسلمین تمام می‌کند. به لحاظ اینکه دین کامل و نعمت تمام می‌شود پس چه چیزی بهتر از آنکه اسلام تا ابدیت دینی جاودان و باقی باشد. مفسرین معتقدند این دو آیه شریفه در یک هفته نازل شده و مصادف با ماجرای با عظمت و هفته برون آمدن نبی مکرم از مکه به سوی مدینه منوره در حجه الوداع است که این اتفاق نظر بسیاری از مفسرین است و بزرگانی که اسامی آنان را برشمردم نیز نزول آیات مذکور را در این یک هفته می‌دانند.

حال آنچه پیغمبر باید ابلاغ نماید، چیست که اگر ابلاغ نشود، رسالت پیامبری را انجام نداده است؟

آنچه موجب تکمیل دین می‌شود که خدا تا امروز نگفته و دین کامل نشده چه چیز و مسأله مهمی است؟

می‌بینیم از این مقطع تاریخ تا پایان عمر پیغمبر که قدری فزون‌تر از دو ماه است؛ هیچ حکم اساسی و مسأله مهمی بر پیغمبر مکرم اسلام نازل نمی‌شود؛ الا فروع مختصری از مبحث ارث که حاوی مسائلی جزئی در این باب است و آنگاه رسول خدا نقاب در خاک فرو می‌کشد و سر بر تیره تراب می‌نهد و روح بلندمرتبه‌اش به ملکوت الهی پرواز و عروج می‌کند؛ پس آنچه موجب اكمال دین و اتمام نعمت می‌گردد که معادل و مساوی با مجموع رسالت و تبلیغ نبی مکرم اسلام می‌باشد، به اتفاق نظر این بزرگان تفسیر مسأله‌ای اساسی و حیاتی است و چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند و از شأن و بزرگی آن بکاهد.

آیه سومی که در تفسیر مطرح است، آیه ذیل است:

«سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (۴۸)

«تقاضا کننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد!»

در این آیه سؤال کرد فردی از عذابی که واقع شد. در اینجا باز همین جمع مفسرین که برشمردم، آیه را ناظر به ماجرای می‌دانند

که در روز غدیر و بعد از گرفتن بیعت برای امیرالمؤمنین، شخصی به نام «حارث بن نعمان فهری» (با دوازده نفر از یارانش که از آن اعراب دارای جمود و قساوت بودند)، محضر نبی مکرم آمد و گفت یا رسول الله! تو گفته‌ای که خدا واحد است؟ حضرت فرمودند: آری، گفته‌ام.

گفت: از پیش خودت گفתי یا خدا این حرف را به تو گفته است؟!

- خدای من فرموده است.

- یا رسول الله! خودت گفתי نماز بخوانیم و روزه بگیریم یا خدایت گفته است؟!

حضرت پاسخ دادند، خدای فرموده است.

- یا رسول الله! آیا تو از پیش خودت این فرد (علی) را به ولایت نصب کردی یا از سوی خداوند؟!

حضرت فرمود، خدای من چنین امر کرده است.

آنگاه حارث سر را بلند کرد و گفت: خدایا! اگر حق است و علی باید ولی من باشد، سنگی از آسمان بر سر من بیاید تا بمیرم و ولایت علی را بنیم! آنگاه به رسول خدا پشت کرد و گامی بیش فاصله نگرفته بود که به شهادت تاریخ، سنگی از آسمان به زیر فرود آمد و بر فرق نحس او وارد گردید و او به هلاکت رسید.

مفسرین در ذیل آیه مذکور این ماجرا را نقل می‌کنند. پس خداوند سبحان در قرآن طی سه جا بحث غدیر را گشوده است.

جلوه غدیر در تاریخ

هنگامی که مورّخین ماجرای غدیر را نقل می‌کنند، تقریباً تمام آنها بر نقل این ماجرا اتفاق نظر دارند، بزرگمردانی در تاریخ مانند: «یعقوبی» و «ابن واضح انباری»، در جلد دوم کتاب خود در صفحه نود و چهار وقتی که ماجرای حجه‌الوداع را بازگو می‌کند، کلّ سیر پیغمبر و زوایای نزول و حرکت نبی مکرم را مطرح و بازگو می‌کند.

کسانی مانند «بلاذری» که مردی قوی در میدان تاریخ است، در کتاب «الانساب و الاشراف» و یا «ابن عبدربه» در کتاب «الاستیعاب» و بزرگمردان دیگری چون «ابن قتیبه» در کتاب «الامامه و السیاسة» یا «ابن اثیر» در «کامل»، این بزرگان همه در مجموع به ماجرای غدیر اشاره داشته و وارد این ماجرا شده‌اند؛ در لابه‌لای کتب تاریخ آنچنان ذکر این موارد زیاد است که باید گفت:

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد آنچه تقدیم شد و افرادی که نام بردم از علمای اهل سنت بودند و الا در بین شیعیان که اجماع و گستردگی طرح موضوع نمود و وضوح بسیار دارد.

حضور غدیر در کلام و ادب

هنگامی که متکلمین بحث کلامی و اعتقادی را مطرح می‌کنند که آیا نص بر وصایت و خلافت (بعد از نبی مکرم اسلام) وجود دارد یا خیر؟ آنگاه در مبحث نصوصیت به باب امامت و خلافت وارد می‌شوند؛ «باقلائی»، «قاضی عزالدین ایجی» صاحب «مواقف»، «میر سید شریف جرجانی» در «شرح مواقف»، «بیضاوی» و «تفتازانی»؛ تمام این بزرگان اهل سنت ماجرای غدیر را از زاویه کلامی به صحنه می‌کشند و مطرح می‌کنند.

خورشید غدیر بسیار تابناک است. عالمان علم لغت نیز که از این ماجراها بدورند، افرادی چون: «ابن درید»، «ابن کثیر شامی» صاحب کتاب «نهایه» یا «زبیدی حنفی» صاحب اثر «تاج العروس»، که بزرگ‌ترین و جامع‌ترین کتاب لغت در کلام عرب است، این عالمان لغوی و ادیبان اهل سنت نیز وقتی به واژه شیرین «غدیر» و «خم» و به معنای کلمه «مولی» می‌رسند، نمی‌توانند به راحتی از کنار آنها بگذرند؛ و لاجرم وارد اقیانوس بیکران غدیر می‌گردند:

خم که نه دریا بگو ای هوشیار مست می آن همه روزگار و جرعه‌ای از پیمانه غدیر می‌نوشتند، آن هم به بهانه رسیدن به واژه غدیر در حرف «غ» و به بهانه رسیدن به کلمه خم در حرف «خ» و به دلیل رسیدن به کلمه مولی در ماده «ولی».

غدیر در عرصه حدیث

محدثین نیز برای طرح این موضوع به صحنه می‌آیند و حدیث غدیر را تصویر می‌کنند و از بُعد و جنبه حدیثی این ماجرا را نقل می‌کنند.

بزرگمردی که به حق، مالک اشتر امروز امیرالمؤمنین (بود و در عصر حاضر بیشترین حق را به گردن شیعیان دارد، یعنی شخصیت گرانقدر «علّامه امینی» «رضوان الله تعالی علیه»، این علّامه بزرگوار و صاحب «الغدیر»، هنگامی که در جلد اول، آثار تلاش چهل ساله خویش را به صاحب ولایت کبری هدیه می‌کند در همان ابتدا می‌نویسد:

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَكْنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاءٍ فَأَوْفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

«ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فراگرفته و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده‌ایم؛ پیمانه را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدّق و بخشش نما، که خداوند بخشنده‌گان را پاداش می‌دهد.»

ای صاحب ولایت کبری! ای علی! ما بضاعت مزجاء و سرمایه کمی بیش نداریم که همان را نیز تقدیم تو می‌کنیم. چرا که امینی کس دیگری را قابل نمی‌بیند که «الغدیر» را به او تقدیم و هدیه کند

مرحوم امینی آنجا این بحث را مطرح می‌کند و یک‌صد و ده نفر از صحابی را با ذکر اسم، رسم، شخصیت، زندگی و شیوه نقلشان، به عنوان راویان طبقه اول حدیث غدیر برمی‌شمرد. یک‌صد و ده نفر صحابی که مورد اتفاق نظر اهل سنت‌اند و همچنین نام هشتاد و چهار نفر از تابعین (تابعین کسانی هستند که پیغمبر را ندیده‌اند؛ اما با صحابی و یاران پیامبر قرین بودند، مانند: سعید بن جبیر). را نقل می‌کند که آنان بدین شیوه حدیث غدیر را نقل کرده‌اند آنگاه سیصد و شصت عالم محدّث را از اهل سنت برمی‌گزیند که آنان در طول تاریخ در کتابها و مسندهای خود ماجرا و حدیث غدیر را بدین شیوه نقل کرده‌اند. (آنان که منکرند بگو روبرو کنند).

پی نوشت

- (۱) - مریم: ۹۳.
- (۲) - الحجرات: ۱۳.
- (۳) - المجادله: ۱۱.
- (۴) - النساء: ۹۵.
- (۵) - الحديد: ۱۰.
- (۶) - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد: ۳۰/۱.
- (۷) - همان مأخذ.
- (۸) - الواقعة: ۱۱ - ۱۰.
- (۹) - البینه: ۷.
- (۱۰) - علی امام البرره: ۱۳۱/۱ (نقل از شواهد التنزيل: ۳۵۶/۲).
- (۱۱) - علی امام البرره: ۲۲۸/۱.

- (۱۲) - علی امام البرره: ۴۱۷/۱ (نقل از تاریخ دمشق: ۲۴۵/۱) .
- (۱۳) - علی امام البرره: ۲۲۶/۱.
- (۱۴) - التفسیر الکبیر: ۶۵۳/۳.
- (۱۵) - تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر ۳۸۵/۴۲، انتشارات دارالفکر.
- (۱۶) - تاریخ اکبر بخاری: ۲۵۵/۲؛ انساب الاشراف بلاذری: ۹۸/۲.
- (۱۷) - علی امام البرره: ۲۷۷/۳ (نقل از کنز العمال: ۱۱۳/۱۵) .
- (۱۸) - مسند: ۴۲۷/۴.
- (۱۹) - علی امام البرره: ۸۵/۲.
- (۲۰) - الذاریات: ۵۶.
- (۲۱) - البقره: ۲ و ۱.
- (۲۲) - المائده: ۵۵.
- (۲۳) - سورة الانسان: ۸ و ۹.
- (۲۴) - البقره: ۲۷۴.
- (۲۵) - شرح ابن ابی الحدید: ۲۱/۱.
- (۲۶) - شرح ابن ابی الحدید: ۲۴/۱.
- (۲۷) - الحج: ۱۹.
- (۲۸) - علی امام البرره: ۵۸/۳ (نقل از اسدالغابه: ۲۰/۴) .
- (۲۹) - علی امام البرره: ۶۵/۳ (نقل از کشف الغمه: ۲۵۹/۱) .
- (۳۰) - علی امام البرره: ۷۵/۳.
- (۳۱) - همان مأخذ.
- (۳۲) - النساء: ۹۵.
- (۳۳) - الحدید: ۱۰.
- (۳۴) - فضائل الصحابه: ۶۴۶/۲.
- (۳۵) - الملل و النحل: ۱۶۰/۱.
- (۳۶) - علی امام البرره: ۴۴۶/۲ (نقل از سیر الاعلام النبلاء: ۴۵۷/۱۶) .
- (۳۷) - علی امام البرره: ۴۴۸/۲.
- (۳۸) - علی امام البرره: ۸۵/۲ (نقل از الاصابه: ۵۰۳/۲) .
- (۳۹) - الاعراف: ۵۹.
- (۴۰) - الزمر: ۹.
- (۴۱) - السجده: ۱۸.
- (۴۲) - ص: ۲۸.
- (۴۳) - الدخان: ۳۲.
- (۴۴) - البقره: ۲۵۳.

(۴۵) - الاحقاف: ۳۵.

(۴۶) - المائدة: ۶۷.

(۴۷) - المائدة: ۳.

(۴۸) - المعارج: ۱.

متن کامل خطبه پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ حمد و ثنای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه، و در تنهایی و فرد بودن خود نزدیک است. در قدرت و سلطه خود با جلالت و در ارکان خود عظیم است. علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است، و همه مخلوقات را با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد. همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتنی نیست. ابتدا کننده او و باز گرداننده اوست و هر کاری بسوی او باز می گردد. بوجود آورنده بالا- برده شده ها (کنایه از آسمانها و افلاک) و پهن کننده گسترده ها (کنایه از زمین) یگانه حکمران زمینها و آسمانها، پاک و منزّه و تسبیح شده، پروردگار ملائکه و روح، تفضل کننده بر همه آنچه خلق کرده و لطف کننده بر هر آنچه بوجود آورده است. هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشمها او را نمی بینند.

کرم کننده و بردبار و تحمل کننده است. رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گذارده است. در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند، و به آنچه از عذابش که مستحق آیند مبادرت نمی ورزد.

باطنها و سریره ها را می فهد و ضمائر را می داند و پنهانها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود. او راست احاطه بر هر چیزی و غلبه بر همه چیز و قوت در هر چیزی و قدرت بر هر چیزی، و مانند او شیئی نیست. اوست بوجود آورنده شیئی (چیز) هنگامی که چیزی نبود. دائم و زنده است و به قسط و عدل قائم است. نیست خدایی جز او که با عزت و حکیم است. بالاتر از آن است که چشمها او را درک کنند ولی او چشمها را درک می کند و او لطف کننده و آگاه است. هیچکس نمی تواند به دیدن به صفت او راه یابد، و هیچکس به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد مگر به آنچه خود خداوند عز و جل راهنمایی کرده است.

گواهی می دهم برای او که اوست خدایی که قدس و پاکی و منزّه بودن او روزگار را پر کرده است. او که نورش ابدیت را فرا گرفته است. او که دستورش را بدون مشورت مشورت کننده ای اجرا می کند و در تقدیرش شریک ندارد و در تدبیرش کمک نمی شود.

آنچه ایجاد کرده بدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمک از کسی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حيله خلق کرده است. آنها را ایجاد کرد پس بوجود آمدند و خلق کرد پس ظاهر شدند. پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست، صنعت او محکم و کار او زیبا است، عادلی که ظلم نمی کند و کرم کننده ای که کارها بسوی او باز می گردد.

شهادت می دهم که اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند.

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه، که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند. شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می گردانند که بسرعت در پی آن می رود. در هم شکننده هر زورگوی با عناد، و هلاک کننده هر شیطان

سرپیچ و متمرّد.

برای او ضدی و همراه او معارضی نبوده است. یکتا و بی نیاز است. زائیده نشده و نمی زاید و برای او هیچ همتایی نیست. خدای یگانه و پروردگار با عظمت. می خواهد پس به انجام می رساند، و اراده می کند پس مقدر می نماید، و می داند پس به شماره می آورد. می میراند و زنده می کند، فقیر می کند و غنی می نماید، می خداند و می گریاند، نزدیک می کند و دور می نماید، منع می کند و عطا می نماید. پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست. خیر بدست اوست و او بر هر چیزی قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو می برد. نیست خدایی جز او که با عزت و آمرزنده است. اجابت کننده دعا، بسیار عطا کننده، شمارنده نفسها و پروردگار جن و بشر، که هیچ امری بر او مشکل نمی شود، و فریاد دادخواهان او را منضجر نمی کند، و اصرار اصرار کنندگانش او را خسته نمی کند. نگهدارنده صالحین و موفق کننده رستگاران و صاحب اختیار مؤمنین و پروردگار عالمین. خدایی که از هر آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالی که شکر و سپاس گویند.

او را سپاس بسیار می گویم و دائماً شکر می نمایم، چه در آسایش و چه در گرفتاری، چه در حال شدت و چه در حال آرامش. و به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می آورم. دستورات او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم بعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او، چرا که اوست خدایی که نمی توان از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم (یعنی ظلم نمی کند).

۲ فرمان الهی برای مطلبی مهم

اقرار می کنم برای خداوند بر نفس خود بعنوان بندگی او، و شهادت می دهم برای او به پروردگاری، و آنچه به من وحی نموده ادا می نمایم از ترس آنکه مبادا اگر انجام ندهم عذابی از او بر من فرود آید که هیچکس نتواند آنرا دفع کند هر چند که حيله عظیمی بکار بندد و دوستی او خالص باشد نیست خدایی جز اوست زیرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده ام، و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربکفی علی یعنی فی الخلافه لعلی بن ابی طالبو ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»، «ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره علی، یعنی خلافت علی بن ابی طالبو اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

ای مردم، من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده ام، و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارم که او سلام است مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بیا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر اتمم و امام بعد از من است. نسبت او بمن همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است»، و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم را کعون»، «صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند»، و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عز و جل را قصد می کند. ای مردم، من از جبرئیل درخواست کردم که از خدا بخواهد تا مرا از ابلاغ این مهم معاف بدارد، زیرا از کمی متقین و زیادی منافقین و افساد ملامت کنندگان و حيله های مسخره کنندگان اسلام اطلاع دارم، کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده است که با زبانشان می گویند آنچه در قلبهایشان نیست و این کار را سهل می شمارند در حالیکه نزد خداوند عظیم است. و همچنین بخاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده اند تا آنجا که مرا «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) نامیدند، و گمان کردند که من چنین هستم بخاطر ملازمت بسیار او (علی) با من و توجه من به او و تمایل او و قبولش از

من، تا آنکه خداوند عز و جل در این باره چنین نازل کرد: «و منهم الذین یؤذون النبی ویقولون هو اذن قل اذنعلى الذین یزعمون أنه اذخیر لکم، يؤمن بالله و يؤمن للمؤمنین»، «... و از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) است، بگو: گوش استبر ضد کسانی که گمان می کنند او «اذن» استو برای شما خیر است، به خدا ایمان می آورد و در مقابل مؤمنین اظهار تواضع و احترام می نماید».

و اگر من بخواهم گویندگان این نسبت (اذن) را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با علائم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی بخدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام.

بعد از همه اینها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی حق علیو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»، «ای پیامبر برسان آنچه در حق علیاز پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

۳ اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام (ع)

ای مردم، این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مهاجرین و انصار و بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه. بر هر یکتا پرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است.

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی پیا می ایستیم، پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید، چرا که خداوند عز و جل صاحب اختیار شما و معبود شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند عز و جل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام.

ای مردم، علی را (بر دیگران) فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آنرا به علی آموخته ام. اوست «امام مبین» که خداوند در سوره یس ذکر کرده است: «و کل شیء احصیناه فی امام مبین»، «و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم».

ای مردم، از او (علی) بسوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع نمی شود.

او (علی) اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد. اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با من خدا را عبادت کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد، و او هم در حالیکه جاننش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم، بخدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و من بخدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل اسمانها و زمینها هستم. هر کس در این مطالب شک کند مانند کفر جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه بر من نازل شده شک کرده است، و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده است، و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم، خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که منی از او بر من و احسانی از جانب او بسوی من است. خدایی جز او نیست. حمد و سپاس از من بر او تا ابدیت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می کند و خلق باقی هستند. ملعون است ملعون است، مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد. بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد». هر کس ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که با علی مخالفت کنید و در نتیجه قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد، خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

ای مردم، او (علی) «جنب الله» است که خداوند در کتاب عزیزش ذکر کرده و درباره کسی که با او مخالفت کند فرموده است: «ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله»، «ای حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و کوتاهی کردم».

ای مردم، قرآن را تدبیر نمائید و آیات آن را بفهمید و در محکومات آن نظر کنید و بدنبال متشابه آن نروید. بخدا قسم، باطن آن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که «هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است». و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، ولایت او از جانب خداوند عز و جل است که بر من نازل کرده است.

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دواز دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم، بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من شنوایم، بدانید که من روشن نمودم، بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عز و جل می گویم، بدانید که امیر المؤمنین جز این برادر من نیست. بدانید که امیر المؤمنین بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

۴ معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین (ع) بدست پیامبر (ص)

سپس پیامبر (ص) دستش را بر بازوی علی (ع) زد و آنحضرت را بلند کرد. و این در حالی بود که امیر المؤمنین (ع) از زمانی که پیامبر (ص) بر فراز منبر آمده بود یک پله پائین تر از مکان حضرت ایستاده بود و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در یک مکان ایستاده اند.

پس پیامبر(ص) با دستش او را بلند کرد و هر دو دست را به سوی آسمان باز نمود و علی(ع) را از جا بلند نمود تا حدی که پای آنحضرت موازی زانوی پیامبر(ص) رسید. سپس فرمود:

ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امتم بر آنان که به من ایمان آورده اند، و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عز و جل و دعوت به آن، و عمل کننده به آنچه او را راضی می کند، و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او. اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیرالمؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند، و اوست قاتل ناکثان و قاسطان و مارقان به امر خداوند.

خداوند می فرماید: «ما یبدل القول لدی»، «سخن در پیشگاه من تغییر نمی پذیرد»، پروردگارا، به امر تو می گویم: «خداوند دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد. و یاری کن هر کس علی را یاری کند و خوار کن هر کس علی را خوار کند، و لعنت نما هر کس علی را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید».

پروردگارا، تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز این آیه را درباره او نازل کردی: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا». «و من یتبع غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین». «امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین شما راضی شدم»، و هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود. پروردگارا، تو را شاهد می گیرم که من ابلاغ نمودم.

۵ تأکید بر توجه امت به مسئله امامت

ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.

ای مردم، این علی است که یاری کننده ترین شما نسبت بمن و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین شما به من و عزیزترین شما نزد من است. خداوند عز و جل و من از او راضی هستیم. هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده است مگر درباره او، و هیچگاه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است، و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او، و خداوند در سوره «هل اتی علی الإنسان»... شهادت به بهشت نداده مگر برای او و این سوره را درباره غیر او نازل نکرده و با این سوره جز او را مدح نکرده است.

ای مردم، او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خدا است، و اوست با تقوای پاکیزه هدایت کننده هدایت شده. پیامبران بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیرالمؤمنین علی است.

ای مردم، شیطان آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد. مبادا به علی حسد کنید که اعمالتان نابود شود و قدمهایتان بلغزد. آدم بخاطر یک گناه بزمین فرستاده شد در حالیکه انتخاب شده خداوند عز و جل بود، پس شما چگونه خواهید بود در حالیکه شماستید و در بین شما دشمنان خدا هستند.

بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی دوستی نمی کند مگر با تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. بخدا قسم درباره علی نازل شده است سوره «العصر»: «بسم الله الرحمن الرحیم، و العصر، ان الإنسان لفی خسر»، «قسم به عصر، انسان در زیان است» مگر علی که ایمان آورد و به حق و صبر توصیه کرد.

ای مردم، من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست. ای مردم از خدا

بترسید آنطور که باید ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

۶ اشاره به کارشکنیهای منافقین

ای مردم، «ایمان آورید به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، قبل از آنکه هلاک کنیم وجوهی را و آن صورتها را به پشت بر گردانیم یا آنان را مانند اصحاب سبت لعنت کنیم». بخدا قسم، از این آیه قصد نشده است مگر قومی از اصحابم که آنان را به اسم و نسبشان می شناسم ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس عمل کند مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی می یابد.

ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد، چرا که خداوند عز و جل ما را بر کوتاهی کنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهکاران و ظالمان و غاصبان از همه عالمیان حجت قرار داده است.

ای مردم، شما را می ترسانم و انداز می نمایم که من رسول خدا هستم و قبل از من پیامبران بوده اند، آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمائید؟ هر کس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند، و خدا بزودی شاکرین و صابرین را پاداش می دهد. بدانید که علی است توصیف شده به صبر و شکر و بعد از او فرزندانم از نسل او چنین اند.

ای مردم، با اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه بر خدا منت نگذارید، که اعمالتان را نابود می نماید و بر شما غضب می کند و شما را به شعله ای از آتش و مس (گداخته) مبتلا می کند، پروردگار شما در کمین است.

ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران. بدانید که آنان «اصحاب صحیفه» هستند، پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوی می گوید: وقتی پیامبر (ص) نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

ای مردم، من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم، و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، بدینا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و بزودی امامت را بعد از من بعنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند. و در آن هنگام استای جن و انس که می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس (گداخته) و نمی توانید آنرا از خود دفع کنید.

ای مردم، خداوند عز و جل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خیث را از پاکیزه جدا کند، و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب (اهل آن آیات الهی را) خداوند قبل از روز قیامت آنها را هلاک خواهد کرد و آنها تحت حکومت حضرت مهدی خواهد آورد، و خداوند و عده خود را عملی می نماید.

ای مردم، قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند، و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد. خدای تعالی می فرماید «ألم نهلك الأولين، ثم تتبعهم الآخرين، كذلك نفعل بالمجرمين، و يل يومئذ للمكذبين»، «آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم؟ آیا در پی آنان دیگران را نفرستادیم؟ ما با مجرمان چنین می کنیم. وای بر مکذبین در آن روز».

ای مردم، خداوند مرا امر و نهی نموده است، و من هم به امر الهی علی را امر و نهی نموده ام، و علم امر و نهی نزد اوست. پس امر او

را گوش دهید تا سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید، و به سوی مقصد و مراد او بروید و راههای بیگانه، شما را از راه او منحرف نکند.

۷ پیروان اهل بیت (ع) و دشمنان ایشان

ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده، و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند، به حق هدایت می کنند و بیاری حق به عدالت رفتار می کنند.

سپس حضرت چنین خواندند: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين»... تا آخر سوره حمد و سپس فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده، و بخدا قسم درباره ایشان (امامان) نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است. ایشان دوستان خدایند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند، بدانید که حزب خداوند غالب هستند.

بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیاطین اند که اباطیل را از روی غرور به یکدیگر می رسانند.

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است: «لا تجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الآخر يوادون من حاد الله و رسوله و لو كانوا آبائهم او ابنائهم او إخوانهم او عشيرتهم، اولئك كتب في قلوبهم الایمان»... تا آخر آیه، «نمی یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند، و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش ضدیت دارند روی دوستی داشته باشند، اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا فامیلشان باشند. آنان اند که ایمان در قلوبشان نوشته شده است»...

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند عز و جل آنان را توصیف کرده و فرموده است: «الذين آمنوا و لم يلبسوا ایمانهم بظلم اولئك لهم الأمن و هم مهتدون» «کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را با ظلم نپوشانده اند، آنان اند که بر ایشان امان است و آنان هدایت یافتگان اند».

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که ایمان آورده اند و به شک نیفتاده اند.

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند: «سلام بر شما پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید».

بدانید که دوستان ایشان کسانی هستند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می شوند.

بدانید که دشمنان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که به شعله های آتش وارد می شوند، بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که از جهنم در حالی که می جوشد صدای وحشتناکی می شوند و شعله کشیدن آنها می بینند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند درباره آنان فرموده است «كلما دخلت امه لعنت اختها»... تا آخر آیه، «هر گروهی که داخل (جهنم) می شود همتای خود را لعنت می کند»...

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند عز و جل می فرماید:

«كلما القى فيها فوج سألهم خزنتها الم يأتكم نذير، قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل الله من شيء، ان انتم الا في ضلال كبير... فسحقا لأصحاب السعير»، «هر گاه گروهی (از ایشان) را در جهنم می اندازند خزانه داران دوزخ از ایشان می پرسند: آیا ترساننده ای برای شما نیامد؟ می گویند: بلی، برای ما نذیر و ترساننده آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است، و شما در گمراهی بزرگ هستید... پس دور باشند اصحاب آتش».

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی هستند که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ است. ای مردم، چقدر فاصله است بین شعله های آتش و بین اجر بزرگ! ای مردم، دشمن ما کسی است که خداوند او را مذمت و لعنت نموده، و دوست ما آن کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد.

ای مردم، بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی هدایت کننده است.

ای مردم، من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می آیند.

۸ حضرت مهدی عجل الله فرجه

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از هل شرک و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر عملی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالابرنده آیات الهی. اوست هدایت یافته محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند، اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالب بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش.

۹ مطرح کردن بیعت

ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می فهماند.

بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من بعنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم (خداوند می فرماید: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله، ید الله فوق ایدیهم، فمن نکث فانما ینکث علی نفسه، و من أوفی بما عاهد علیہ الله فسیؤتیه اجرا عظیما»)، کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست، و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد».

۱۰ حلال و حرام، واجبات و محرمات

ای مردم، حج و عمره از شعائر الهی هستند، (خداوند می فرماید: «فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیہ ان یتوف بهما» تا آخر آیه، «پس هر کس به خانه خدا بعنوان حج یا عمره بیاید برای او اشکالی نیست که بر صفا و مروه بسیار طواف کند».

ای مردم، به حج خدا بروید. هیچ خاندانی به خانه خدا وارد نمی شوند مگر آنکه مستغنی می گردند و شاد می شوند، و هیچ خاندانی آنرا ترک نمی کنند مگر آنکه منقطع می شوند و فقیر می گردند. ای مردم، هیچ مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منی) وقوف نمی کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت می آمرزد، و هر گاه که حجتش پایان یافت اعمالش را از سر می گیرد.

ای مردم، حاجیان کمک می شوند و آنچه خرج می کنند به آنان بر می گردد، و خداوند جزای محسنین را ضایع نمی نماید.

ای مردم، با دین کامل و با تفقه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مگردید. ای مردم، نماز را بپا دارید و زکات را پردازید همانطور که خداوند عز و جل به شما فرمان داده است و اگر زمان طویلی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند، او که خداوند عز و جل بعد از من بعنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است. او از من است و من از اویم.

او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند. بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلالها دستور دهم و از همه حرامها نهی کنم. پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره امیر المؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را، ملاقات کند.

ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آنها برنگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را بیاد داشته باشید و آنرا حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آنرا تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

من سخن خود را تکرار می کنم: نماز را بپا دارید و زکات را پردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمائید. بدانید که بالاترین امر بمعروف آنست که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عز و جل و از نزد من است، و هیچ امر بمعروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم.

ای مردم، قرآن به شما می شناساند که امامان بعد از علی فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می فرماید: «و جعلها کلمه باقیه فی عقبه»، «آن (امامت) را بعنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد»، و من نیز به شما گفتم: «اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید».

ای مردم، تقوی را تقوی را. از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عز و جل فرموده: «إن زلزله الساعة شیء عظیم»، «زلزله قیامت شیء عظیمی است».

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را بیاد آورید. هر کس حسنه با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می شود، و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

۱۱ بیعت گرفتن رسمی

ای مردم، شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم در باره آنچه منعقد نمودم برای علی امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه بشما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

پس همگی چنین بگوئید:

«ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت بما رساندی درباره امر امامت امامان علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او بدینا می آیند. بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم».

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره علی امیر المؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنانکه خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمائرمان و دستهایمان. هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گر نه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند (در این باره) از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی».

ای مردم، چه می گوئید؟ خداوند هر صدایی را و پنهانی های هر کسی را می داند. پس هر کس هدایت یافت بنفع خودش است و هر کس گمراه شد به ضرر خودش گمراه شده است، و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می کند، دست خداوند بر روی دست آنها (بیعت کنندگان) است.

ای مردم، با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمائید و با علی امیر المؤمنین و حسن و حسین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت، بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.

ای مردم، آنچه به شما گفتم بگوئید (تکرار کنید)، و به علی بعنوان «امیر المؤمنین» سلام کنید و بگوئید «شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا مغفرت تو را می خواهیم و بازگشت بسوی توست». و بگوئید: «حمد و سپاس خدای را که ما را به این هدایت کرد، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم»....

ای مردم، فضائل علی بن ابی طالب نزد خداوند که در قرآن آنرا نازل کرده‌ایش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس درباره آنها بشما خبر داد و معرفت آنرا داشت او را تصدیق کنید.

ای مردم، هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

ای مردم، کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایت او و سلام کردن بعنوان «امیر المؤمنین» با او، سبقت بگیرند آنان رستگارانند و در باغهای نعمت خواهند بود.

ای مردم، سخنی بگوئید که بخاطر آن خداوند از شما راضی شود، و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند بخدا ضرری نمی رسانند.

خدایا، بخاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را پیامرزی، و بر منکرین که کافرنده غضب نما، و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.

متن کامل خطابه غدیر به عربی

؛ خطبه رسول الله فی یوم الغدیر باللغه العربیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بَرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَ مُجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مُبْدِنًا وَ مُعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَيْدُوحَاتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّيِّمَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَّأهٖ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءهٖ. يَلْحِظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعَيْنُونَ لَا تَرَاهُ. كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْاتٍ، قَدْ وَسَّعَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَتُهُ وَ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِانْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ

إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عِزِّهِ. قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الضَّرَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ حَتَّى وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَضْعَهُ مِنْ مُعَانِيَتِهِ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَعِلَائِيَّتِهِ إِلَّا بِمَادَلٍّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَامُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ وَلَا مَعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَامُعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا اخْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةُ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يُجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاكِ وَمَمْلُوكُ الْأَفْلَاقِ وَمُسَخَّرُ اللَّحْمِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرَى لِأَجْلِ مُسَمًى. يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَتِّيًا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ. لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صِمْدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدَّ شَاءَ فَيَمُضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيَحْصِي، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفَقِّرُ وَيُعْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُذِنُ وَيَقْصِي) وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدَّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يَضْجُرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضَرِّحِينَ وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاخُ الْمُلْحِنُ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمُوفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ). أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّعَاءِ وَالضَّرَاءِ وَالسَّيِّئَةِ وَالرَّخَاءِ، وَأَوْمِنُ بِهِ وَبِمَلَانِكَتِهِ وَكُتْبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسْلِمُ لِمَاقِضَاهُ، رَعْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَلَا يَخَافُ جَوْرُهُ. وَأَقْرَلَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرَّبُوبِيَّةِ، وَأُودِي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

- لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلَى) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.

فَأَوْحَى إِلَيَّ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) - فِي عَلَى يَغْنَى فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَّزْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرِئِلَ هَبَطَ إِلَى مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمُ كُلَّ أَيْضٍ وَأَسْوَدَ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)، وَعَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرِئِلَ أَنْ يَسْتَعْفِفِي لِي (السَّلَامُ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْإِسْتِهْمِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ. وَكَثْرَةُ آذَانِهِمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمِعُونِي أَدْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مِلَازِمَتِهِ إِلَيَّ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَهَوَاهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ -) خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةَ.

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَسِيحَ الْفَنَائِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمِيْتُ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَسَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلَى)، ثُمَّ تَلَا: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ أَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَغْضَبُكَ مِنَ النَّاسِ). فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَافَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ.

ماضِ حُكْمُهُ، جازِ قَوْلُهُ، نافِذِ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامِ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَاتَّقُوا لِأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامِيَّةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حِلَّ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَزَّيْنَا الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلَى (فَضْلِهِ). مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلِّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُهُ عَلَيَّ، وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَشْتَكُوا عَنْ وَلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمِلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهِي عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبْدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضْلُهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهِ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدَّهْرِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَضِلُّوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهُ - بَشَّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا (- وَاللَّهُ -) خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَثَمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُ إِلَى وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضِّلُوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَى قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا- إِنْ جَبْرِئِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي»، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنْ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَذَبُّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ وَانْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُضِيءٌ جِدَّهُ إِلَى وَشَائِلٌ بَعْضِهِ (وَرَافِعُهُ بِيَدِي) وَمُعْلِمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي، وَمَوَالِيَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَى.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمْ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُبَيَّنٌّ عَنْ صَاحِبِهِ وَ

مُوافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

أَلَا إِنَّهُمْ أُمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أُدِّيتُ.

أَلَا وَقَدْ بَلَغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَشْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثم قال: «إيها الناس، مَنْ أُولَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: الله وَ رَسُولُهُ. فقال: أَلَا مِنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. معاشر الناس، هذا عَلَى أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَا عَى عِلْمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ النَّكَثِينَ وَ الْفَاسِقِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَى).

بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ لَعْنُ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَ لِيكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَ نَصِيحِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ. معاشر الناس، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ) وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، (لَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنْظَرُونَ).

معاشر الناس، هذا عَلَى، أَنْصِرْكُمْ لِي وَ أَحَقِّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ اعْزُكُمْ عَلَيَّ، وَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَاعَنَهُ رَاضِيَانِ. وَ مَانَزَلَتْ آيَةُ رِضَاً (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا- فِيهِ، وَلَا- خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بِدَأْ بِهٖ، وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحُجَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَ لَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

معاشر الناس، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقَى النَّقَى الْهَادِي الْمُهْدِي. نَبِّئُكُمْ خَيْرَ نَبِيٍّ وَ وَصِيَّكُمْ خَيْرَ وَصِيٍّ (وَبُئُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ).

معاشر الناس، دُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صَلْبِهِ، وَ دُرِّيَّتِي مِنْ صَلْبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ.

معاشر الناس، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ،

أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَ لَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللهُ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَ الصَّبْرِ).

معاشر الناس، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

معاشر الناس، (إِنِّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

معاشر الناس، (آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النَّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ). (بِاللَّهِ مَا عَنِ بَهْذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ، وَ قَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلَى فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَ الْبَغْضِ).

معاشر الناس، النَّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثُمَّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُفْضِيَرِينَ وَ الْمَعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْآثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ وَ الْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذِرْكُمْ أَنْي رَسُولَ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرِّسَالُ، أَفَأَنْ مِتَّ أَوْ قُتِلْتَ أَنْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنَهَانِ يَصْرُ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنْ عَلَيَّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وُلِدَى مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمْنُوا عَلَى يَاسَلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمْنُوا عَلَى اللَّهِ فَيَحْبِطَ عَمَلُكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ، إِنْ رَبَّكُمْ لَبِا الْمِرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ وَأَنَا بَرِئَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِمْ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ يَشْهَدُ، وَلَدٌ أَوْلَمَ يُولَدُ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاغْتِصَابًا، (أَلَا- لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ)، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَنْبَاقُ الثَّقَلَيْنِ (مَنْ يَفْرُغْ) وَيُرْسِلْ عَلَيْكُمَا شَوَاطِ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذَرْكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَوِيَّةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاللَّهُ مُصَدِّقُ وَعْدِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكْ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَوْمَ يُنْذِرُ لِلْمُكَذِّبِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لِمَدْيِهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلِمُوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَاتَّقُوا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا، (وَصِيْرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَى مَنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلِدَى مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ (الْهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَغْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»... إِلَى آخِرِهَا،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهُ) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنْ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمْ هُمُ السَّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ).

(أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَزْتَابُوا).

أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُزْرَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ يَصْلُونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَجَّتِهِمْ شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَيَزُونَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةِ.

أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (أَلَا فَسَيْدًا حَقًّا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا- إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَانِ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.
 (مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَلَيْتُنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلَى الْبَشِيرِ.
 (مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَ إِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلَى هَادٍ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلَى وَصِيِّ.
 (مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَ عَلَى الْإِمَامِ وَالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي، وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).
 أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.
 أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.
 أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِيهَا.
 أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ وَهَادِيهَا.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.
 أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ.
 أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.
 أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُحْتَارُهُ.
 أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمَحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.
 أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.
 أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَى يَفْهَمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى يَتَعَنِيهِ وَ
 الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَى قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا
 يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) الْآيَةُ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَ أَبْشَرُوا، وَ لَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا بَتَرُوا وَ افْتَقَرُوا.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقِيَّةِ، وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمْ الْأَمِدُ فَقَصِّصْهُمُ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلَى وَلِيِّكُمْ وَ مَبِينٍ لَكُمْ،

الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلِيقِهِ. إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُنَبِّئُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

ألا- إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَ بِهِمَا وَأُعَرِّفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَانْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ يَقْبُولُ مَا جُنْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامُهُ فِيهِمْ قَائِمُهُ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهَ الَّذِي يَقْدَرُ وَيَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ. أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنْ رَأَسَ الْمَأْمُرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي. وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَنْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَلِدُهُ، وَعَرَفْتُمْ إِنْهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ). وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعِيَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنْ زُلْزِلَتْ السَّاعِيَةُ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمَحَاسِبَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَيْفٍ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَنْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وَلَدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَنْمَةِ. نُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسَنَتَيْنَا وَأَيْدِينَا. عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نَغْيَرُ وَلَا نَبْدِلُ، وَلَا نَشُكُّ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا نَزْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

وَعَظَّمْنَا بِوَعْدِ اللَّهِ فِي عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَنْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُوذٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسَنَتَيْنَا وَضَمَائِرِنَا وَأَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا يَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا. نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهْلَانَا، وَنُشْهِدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يُدَالِلُهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَنْمَةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً. يُهْلِكُكَ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَيَرْحَمُ مَنْ وَفَى، (وَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى عَلَى بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقُولُوا: (سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ)، وَقُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَّفَهَا فَصَدِّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَنْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمَوْلَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَذْنُتُ وَأَمَوْتُ) وَاعْظِبْ عَلَى (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

درباره مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر میثاق آسمانی انسان با خداست، چرا که در آن روز دین خدا کامل و نعمت الهی بر انسان به نهایت رسید. غدیر عنوان عقیده و دین ماست، و اعتقاد به آن، یعنی ایمان کامل به معبود و شکر گزاری انسان در مقابل همه نعمتهای نازل شده او. بر اساس امر به تبلیغ و معرفی علی علیه السلام در آیه شریفه: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ؛ تبلیغ و بازگویی واقعه غدیر و انجام سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در رساندن پیام غدیر، بر تمامی مؤمنین واجب می شود و سرپیچی از این واجب الهی گناهی است نا بخشودنی.

مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله وسلم که دارای ماهیت فرهنگی و غیر انتفاعی است، با اعتقاد راسخ بر این باور توحیدی و با هدف تبلیغ و نشر این واقعه سترگ بشری، با تأییدات الهی و حمایت همه جانبه مدافع راستین حریم امامت و ولایت مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی قدس سره، در زمان حیات این بزرگوار و همت و تلاش خالصانه و شبانه روزی جمعی از مؤمنین ولایت مدار از سال ۱۳۸۱ پایه گذاری گردیده و تا کنون به فعالیت های چشم گیر خود ادامه داده است. و هزینه های آن به صورت مردمی و از طریق وجوهات شرعی، با اجازات مراجع عظام تقلید، هدایا، نذورات، موقوفات و همیاری افراد خیر اندیش تأمین می گردد.

این مرکز با تیمی مرکب از فرهیختگان و متخصصین حوزه و دانشگاه، هنرمندان رشته های مختلف، مردم ولایت مدار، هیئات مذهبی و کسبه بازار سعی نموده تا در عرصه های مختلف تبلیغ به صورت جهانی، اقدام به نشر معارف متعالی غدیر نماید. شما هم می توانید با مشارکت همه جانبه خود شامل نظرات و پیشنهادات، کمکهای مالی در این امر مهم سهیم بوده و جزء خادمین غدیر باشید. منتظر تماسهای شما هستیم

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۲۲۰۶۲۵۳ - ۰۳۱۱۲۲۰۶۲۵۲

تلفکس: ۰۳۱۱۲۲۰۶۲۵۳

تلفن همراه: ۰۹۱۱۸۰۰۰۱۰۹

سایت: www.Ghadirestan.com-www.Ghadirestan.ir

ایمیل: info@Ghadirestan.com

آدرس مرکز: اصفهان- خیابان عبد الرزاق- نش خیابان حکیم- طبقه دوم بانک ملت- مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله وسلم - کد پستی: ۸۱۴۷۸۶۵۸۹۴

شماره حساب ملی سیبا: ۳۲۷۵۶۴۷۲۲۰۰۵

شماره کارت بانک ملی: ۶۰۳۷۹۹۱۱۴۶۸۹۰۲۴۳

و آنچه از دستاوردهای این مرکز در پیش رو دارید حاصل از فضل الهی است که شامل حال خادمین این مرکز شده است:

تأسیس کتابخانه تخصصی غدیر به صورت دیجیتال و کلاسیک :

راه اندازی بزرگترین و جامعترین کتابخانه تخصصی- دیجیتالی غدیر در سایت پایگاه تخصصی غدیرستان و همچنین به صورت کلاسیک برای پژوهشگران و محققین در محل مرکزی غدیرستان امکان استفاده فراهم می باشد.

همایشها و نشستهای علمی تخصصی:

همایشهای استقبال از غدیر در سال های متوالی از سال ۸۸ حدود یک ماه قبل از غدیر با هدف هماهنگی و برنامه ریزی جشن های دهه ی غدیر با استقبال اقشار مختلف مردم ولایتمدار و حضور کارشناسان امور فرهنگی به صورت باشکوهی برگزار گردید و همچنین نشست های علمی تخصصی غدیر با هدف تحقیق و بررسی در موضوعات مختلف غدیر و همچنین بیان ارتباط غدیر با مناسبت های مذهبی از جمله فاطمیه و مهدویت برگزار گردید، که در آن محققین و نویسندگان، مقالات خود را به دبیر خانه نشست ارسال نموده و پس از بررسی توسط هیئت داوران، مقالات برگزیده در نشست ارائه و چاپ گردید.

احیای خطابه غدیر:

برگزاری جلسات هفتگی شرح خطابه غدیر در مکان های مختلف، همراه با توزیع کتاب های خطابه و تشویق به حفظ فرازهای آن، با هدف نشر و ترویج خطابه ی غدیر.

دوره های غدیر شناسی:

این دوره ها با هدف جذب و تربیت مبلغین غدیر، جهت اعزام نیروی انسانی در سطوح مختلف، در راستای اهداف عالی مرکز و همچنین آشنایی بیشتر طلاب، دانشجویان و علاقه مندان، با مباحث غدیر شناسی، برگزار می گردد.

احیای دهه غدیر:

تغییر برگزاری جشنهای غدیر از یک روز به یک دهه با هدف انجام وظیفه ی تبلیغ غدیر، تعظیم شعائر الهی بوده و باعث ترویج و گسترش جشن های غدیر می گردد.

بنابراین احیای دهه ی غدیر فرصت بیشتری را برای مبلغین و شرکت کنندگان در ارائه موضوعات مختلف غدیر و پذیرش آن فراهم نمود.

تولیدات مرکز:

تولید نرم افزار های تلفن همراه و راه اندازی کتابخانه دیجیتال غدیر، بر روی وب سایت پایگاه تخصصی غدیرستان، با امکان دانلود رایگان کتابها بر روی تلفن های همراه، با هدف توسعه ی نشر و اطلاع رسانی معارف قرآن و عترت و دفاع از حریم شیعه. تولید کلیپها، طراحی بروشورها و پوسترها، با موضوع غدیر و ولایت و امکان دانلود رایگان آنها از روی سایت برای علاقه مندان راه اندازی وب سایت های مرکز:

مرکز تخصصی غدیرستان با درک رسالت سنگین خود در راستای تبلیغ غدیر پا در عرصه ی جهانی گذاشته و با تلاش کارشناسان و متخصصین اقدام به راه اندازی وب سایت هایی از جمله: سایت پایگاه تخصصی غدیرستان، سایت دهه ی غدیر و سایت دعا برای وارث غدیر (مکیال المکارم)، نموده است و انجام این فعالیت باعث ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف غنی شیعه با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقه مندان به نرم افزار های علوم اسلامی در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام از شبهات منتشره در جامعه، شده است.

مهد کودک غدیر:

برگزاری مهدهای کودک غدیر، ویژه ی خردسالان، همزمان با برگزاری همایشها و مراسمات دهه ی غدیر، با هدف شکوفایی محبت درونی آنان نسبت به حضرت علی علیه السلام در قالب نقاشی های زیبا، بیان قصه های غدیر و اهدای بسته های فرهنگی، از جمله فعالیت های این مرکز می باشد.

سفره احسان امیر المؤمنین:

سفره های احسان علی علیه السلام با هدف ترویج سنت حسنه اطعام و اهدای نان در روز غدیر، همراه با تقدیم بروشورهای حاوی

معارف غدیر با جلوه ای زیبا در خیابان ها و میادین شهر در سال های اخیر، جهت ترویج و تبلیغ غدیر به صورت گسترده، برگزار گردید. به حمد الله هر ساله با کمک هیات مذهبی و خیرین محترم و استقبال مردم از این سنت حسنه ی انبیای الهی و ائمه ی اطهار علیهم السلام، خاصه حضرت رضا علیه السلام هرچه باشکوه تر در حال برگزاری می باشد.

تجلیل از خادمین غدیر :

برگزاری هر ساله مراسمات تجلیل از خادمین غدیر به صورت باشکوهی با معرفی چهره ماندگار غدیر و تجلیل از افرادی که به هر نحوی خدمتگذار غدیر و امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده اند و همچنین معرفی و تجلیل از هیئت های محترم مذهبی، مراکز، سازمانها، ستادها و نهادهایی که در مورد غدیر فعالیت داشته اند و تقدیم تندیس، لوح تقدیر و هدایا به مسئولین این مراکز.

ارتباط با هیئت های محترم مذهبی و مراکز :

ارتباط با هیئت های محترم مذهبی و مراکز و همکاری با آنها و ارائه راهکارهای عملی، طرحها، کلیپها و بروشورها با محتوای غدیر و ولایت، به آنها با هدف هرچه باشکوه تر برگزار شدن جشنهای بزرگ غدیر در ایام سرور آل محمد

فعالتهای آینده مرکز :

راه اندازی پورتال جامع غدیر با موضوعیت امامت در شبکه اینترنت

تأسیس موزه غدیر با موضوع ولایت و امامت جهت بازدید کنندگان داخلی و خارجی

تأسیس شبکه جهانی غدیر با موضوع پخش و تولید آموزه های دینی بر محور ائمه اطهار علیهم السلام

ایجاد مکانهایی برای گذراندن اوقات فراغت برای کلیه سطوح و سنین

برپائی اردوهای سیاحتی و زیارتی برای نخبگان و فعالان در زمینه غدیر

هماهنگی اجرای ماکت های مربوط به غدیر در مراکز و میادین خاص و حساس

برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghadirestan.ir

www.Ghadirestan.com

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۱۸۰۰۰۱۰۹

